

تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۰۵	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۸ / ۰۱
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج					
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح					
عنوان ۳	شرایط صحت نکاح					
عنوان ۴	شرط بلوغ					
عنوان ۵	فرع ششم: ولایت پدر و جد در نکاح صغیرین					
عنوان ۶	تبیین ولایت پدر و جد پدری ▪ بررسی روایات باب					
عنوان ۷	نقد فرهنگ غربی در قبال مفاهیم خانواده و ازدواج					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه به ادامه بررسی ولایت پدر و جد در ازدواج فرزندان صغیر می‌پردازد و آن را راهی برای ایجاد پیوندهای اجتماعی معرفی می‌کند که پس از بلوغ، فرد حق فسخ آن را دارد. در ادامه، فرهنگ غربی را به دلیل تضعیف نهاد خانواده و ترویج روابط نامشروع نقد کرده و از مفاهیم اسلامی مانند ازدواج و خانه‌داری دفاع می‌کند. در پایان، استاد رحمته بر لزوم تبیین این ارزش‌ها توسط اندیشمندان برای مقابله با هجده‌های فرهنگی تأکید می‌کنند.

درآمدی بر بحث: ادامه فرع ششم در باب ولایت پدر و جد در نکاح صغیرین

در جلسات گذشته، روایاتی بررسی شد که به موضوع سقوط یا ثبوت ولایت پدر و جد در ازدواج صغیرین پرداخته‌اند. منظور از ولایت پدر و جد در تزویج صغیرین، اختیار آنها در عقد ازدواج فرزندان صغیر است. این اختیار به این معنا نیست که مثلاً دختری هشت‌ساله به اجبار به مردی مسن داده شود که از او تمتع جنسی ببرد؛ بلکه یکی از تعالیم اسلامی است که در برخی جوامع، برای ایجاد پیوندهای اجتماعی و خانوادگی، کودکان از سنین پایین به صورت شرعی، عقد می‌شوند تا با یکدیگر آشنا گردند و در محیطی سالم رشد کنند. این ازدواج‌ها به گونه‌ای است که پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد عقلی، افراد می‌توانند در صورت عدم تمایل، این عقد را فسخ کنند.

بررسی روایت عبدالله بن الصلت

یکی از روایات کلیدی در این باب، روایت صحیحۀ عبدالله بن الصلت است که در ضمن آن آمده:

«وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْبِكْرِ إِذَا بَلَغَتْ مَبْلَغَ النِّسَاءِ أَلَهَا مَعَ أَبِيهَا أَمْ لَا؟»

از امام، دربارهٔ دختر باکره‌ای که به حد بلوغ می‌رسد، پرسیدم: آیا پدرش می‌تواند او را تزویج دهد؟ اگر بالغ شد، چه می‌شود؟

«قَالَ: لَيْسَ لَهَا مَعَ أَبِيهَا أَمْرٌ مَّا لَمْ تَكْبُرْ!»

تا بالغ نشده، ازدواجی که پدرش صورت می‌دهد، صحیح است و نمی‌تواند برخلاف آن عمل کند؛ اما پس از رسیدن به بلوغ و رشد، اختیار با خود اوست و می‌تواند ازدواجی را که پدر انجام داده فسخ کند و نپذیرد.

این حکم، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه به نظر ما از بهترین تعلیمات اجتماعی سازندهٔ هر جامعه‌ای است. در این مسائل نباید جنجال و تمسخر راه داشته باشد؛ چون می‌توان به صورت محترمانه، پیرامون آن به بحث و گفتگو نشست؛ وگرنه جنجال علیه احکام اسلامی، به قصد فاسد کردن جامعه است.

در جامعهٔ امروز، شرایط به صورتی رقم خورده و تبلیغات به گونه‌ای شکل گرفته که اگر دختران و پسران با هم دوست شوند و هر رابطه‌ای با هم داشته باشند، بسیار عالی و متمدانه است؛ ولی اگر به قصد ازدواج، با هم دوست شوند و حلقه به دست کنند، نشانهٔ اُمّلی و عقب ماندگی است.

پرسشگر: یعنی شما توصیه می‌کنید؟

استاد: توصیه نیست؛ اما می‌توانند چنین رفتار کنند. شرایط هم مختلف است. در برخی شرایط، اقتضا می‌کند که چنین نمایند. امر نامطلوبی نیست.

پرسشگر: حتی اگر ازدواج نکنند؟

استاد: اگر با هم ازدواج نکنند، لااقل دوستی نامشروع میانشان شکل نمی‌گیرد؛ لذا می‌گوییم که راهکار اسلام، بهتر است. واقعاً اگر به هم علاقه‌مندند ولی از طریق شرعی با هم دوست نشوند، به حرام می‌افتند.

نقد فرهنگ غربی در قبال مفاهیم خانواده و ازدواج

یکی از مسائل مهم، زشت‌سازی مفاهیم ارزشمند اسلامی توسط فرهنگ غربی است. در این فرهنگ، مفاهیمی مانند خانه‌داری و نقش زن در خانواده به گونه‌ای منفی معرفی شده‌اند. خانه‌داری، که در اسلام به عنوان مدیریت یک نهاد مقدس و تربیتی تلقی می‌شود، در فرهنگ غربی به قفس یا زندان، تشبیه شده است. خانه در نگاه اسلامی، مرکزی برای پرورش انسان و نیازمند مدیری تمام‌وقت است که در ادبیات اسلامی از آن به عنوان «رَبَّةُ الْبَيْتِ» یاد می‌شود؛ چون خانه نیاز به کدخدا دارد؛ ولی فرهنگ غرب، این کار را به زندانی کردن زن، تشبیه می‌کند؛ درحالی‌که زن رئیس خانه‌ای

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب عقد النکاح وأولیاء العقد، ب ۶، ح ۳.

است که می خواهد جامعه را تربیت کند. مفهوم فرزندآوری را هم به جوجه کشی تشبیه می کنند تا این نقش مسئولانه را سست و زشت سازند. آنها کار زن در خانه را که از مقدس ترین مسئولیت های قابل تصور است - زن در بیرون خانه به خانواده اش خدمت می کند و زن در درون خانه، در خدمت شوهر و فرزندان خویش است و زمینه آرامش و تربیت آنان را فراهم می آورد- ولی آن را کلفتی، معرفی می کنند؛ درحالی که اگر همین زن در هواپیما و رستوران ها به مردان، خدمت کند، کلفتی تلقی نمی شود؛ بلکه حرکتی متمدنانه، شناخته می گردد.

همچنین، ازدواج که از مقدس ترین مقوله های آفرینش و از آیات الهی محسوب می شود، در فرهنگ غربی به گونه ای زشت و تحقیرآمیز، معرفی شده است. رابطه جنسی اگر مشروع باشد، زشت نیست؛ اما در مقابل، روابط نامشروع و حتی انحرافات مانده همجنس گرایی، در این فرهنگ به عنوان ارزش، ترویج و ستایش می شوند؛ درحالی که خداوند درباره مقوله ازدواج می فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱.

بنابراین، دانشمندان و مخصوصاً حوزویان باید وارد میدان شوند و برای جامعه کنونی ما و جامعه جهانی، تبیین کنند که غرب و تمدن غرب چه جنایاتی در حق بشریت، روا داشتند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین